



خیلواکی

استقلال

www.esteqtaal.net

سه شنبه ۱۳ فبروری ۲۰۲۴

نویسنده: سیدمحمدباقر مصباح زاده

ارسالی: محمد داود سرور

سقوط افشار، پیراهن عثمان علیه سنگلاخی‌ها

جنرال خدایداد هزاره، فرمانده کل نیروهای حزب وحدت و عامل اصلی فاجعه افشار فاجعه افشار، نه اولین و نه آخرین فاجعه از فجایعی بود که بعد از فروپاشی دولت کمونیست‌ها تا لشکر کشی امریکا و متحدانش در افغانستان اتفاق افتاد. این فاجعه از دو جنبه برجستگی دارد: یکی این که در این فاجعه نه نظامیان و جنگ افروزان، بلکه مردم بی دفاع غیر نظامی افشار از هرقوم و طایفه ای، اعم از زن و مرد و کودک بیرحمانه به خاک و خون کشیده شدند. دو دیگر، این که کمونیست‌ها و فاشیست های دین ستیز هزاره نما برای سرپوش گذاشتن بر ناتوانی و خیانت خود، فرافکنی نموده و سادات مظلوم سنگلاخ را متهم به خیانت و معامله با متجاوزین کردند. آنان با این فرافکنی ناجوانمردانه، غیر انسانی و مغایر با منافع ملی و قومی کوشیدند که شکست مفتضحانه شان را به گردن محرومترین قشر جامعه که از لحاظ سیاسی و اجتماعی پشتوانه ای نداشتند بیندازند تا راز اصلی این خیانت برملا نشود.

عامل اصلی این شکست مفتضحانه، پروتوکل سه جانبه بین آقای... مزاری با حکمتیار و جنرال عبدالمجید فوزی نماینده جنرال دوستم، بود که برای براندازی نیروهای شورای نظار و اتحاد اسلامی سیاف - که نیروهای دولتی خوانده می شدند- عملیات تجاوزکارانه را ساعت پنج صبح روز ۲۲ دلو ۱۳۷۱ علیه مواضع حزب و وحدت و مردم بی دفاع افشار آغاز کردند. تاریخ آغاز این حمله پیام های سیاسی و مذهبی نیز داشت، چون روز ۲۲ دلو سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که در افغانستان هم توسط دوستان این انقلاب جشن گرفته می شود. نیروهای مهاجم تا ساعت یک بعد از ظهر تمام افشار و دانشگاه (پوهنځی) علوم اجتماعی (فعلا پوهنتون تعلیم تربیه) مقر حزب وحدت را اشغال کردند. نیروی های نظامی حزب وحدت که از سرک سیلو تا چهارراهی قنبر و کوه های افشار و اطراف آن مستقر بودند بدون مقاومت مانند برف آب شدند.

طرح عملیاتی حزب وحدت و متحدانش قبل از آن که اجرا شود توسط عوامل نفوذی و معامله افسران دارای سابقه کمونیستی حزب وحدت، در اختیار احمدشاه مسعود و سیاف قرار گرفت و آن ها عملیات پیشگیرانه و غافلگیرکننده را تدارک دیدند .

جنرال های خاین حزب وحدت در تبنانی با رفقای کمونیست سابق شان که در ریاست امنیت و سایر ارگان های دولتی تحت فرمان احمدشاه مسعود، قرار داشتند، چهار روز قبل از سقوط افشار، سلاح های ثقیله و مهم را از کار انداخته بودند. از جمله سوزنک یک اسلحه «زیو» را کشیده و میله یک تانک را در سنگر ترکانده بودند .

با اطمینان از تبنانی هایی که صورت گرفته بود، نیروهای شورای نظار و اتحاد اسلامی سیاف - که نیروهای دولتی خوانده می شدند- عملیات تجاوزکارانه را ساعت پنج صبح روز ۲۲ دلو ۱۳۷۱ علیه مواضع حزب و حدت و مردم بی دفاع افشار آغاز کردند. نیروهای مهاجم تا ساعت یک بعد از ظهر تمام افشار و دانشگاه علوم اجتماعی (فعالاً پوهنتون تعلیم تربیه) مقر حزب وحدت را اشغال کردند. بعداً معلوم شد که نیروهای حزب وحدت در همان ساعات اولیه جنگ فرار کردند و ساعت ده قبل از ظهر مقر آقای مزاری محاصره شد، اما مزاری توانست ساعت یازده و نیم فرار کند. طراحان عملیات افشا شده افشار که فرماندهی نیروهای حزب وحدت را نیز به عهده داشتند، چند جنرال دولت ساقط شده کمونیست ها بنام های جنرال خدایاد هزاره (کمونیست خلقی)، فرمانده کل نیروهای حزب وحدت، تورن جنرال علی محمد (کمونیست پرچمی)، معاون نظامی حزب وحدت، جنرال عوض غرچی، فرمانده فرقه ۹۶ حزب وحدت، بریدجنرال کورگه (دگروال زمان ببرک کارمل)، مسؤل عمومی امنیت نظامی حزب وحدت، برید جنرال صداقت (افسر سابق ریاست پنج امنیتی کمونیست ها) فرمانده عمومی غندکوهی حزب وحدت و برید جنرال سلطانی (کمونیست پرچمی و معاون فرقه ۹۵ در زمان کارمل) بودند.

همان طوری که گفته شد، در زمان سقوط افشار واحد عملیاتی بنام «گروپ اپراتیفی» به فرماندهی جنرال خدایاد هزاره، مسؤل سوق و اداره تمام نیروهای مسلح حزب وحدت بود. نیروهای حزب وحدت اسلامی، در ساحه افشار در سه منطقه مستقر بوده و فعالیت داشتند:

- ۱- در اکادمی پلیس و کوه های افشار، به فرماندهی جنرال صداقت و دُر محمد کربلایی.
- ۲- در علوم اجتماعی (پوهنتون تعلیم و تربیه) که مقر رهبری حزب وحدت بود. این نیروها از سمت شمال و افراد خاص آقای مزاری بودند.

۲- در فرقه ۹۶ که مقر آن در مرکز آموزش امنیت ملی حکومت کمونیست‌ها قرار داشت. فرقه ۹۶ که فرمانده آن جنرال عوض غرجی و معاون آن جنرال سیدعوض بود در تشکیل دارای ۱۶۰۰ سرباز و افسر و چند غند بود، اما هیچ وقت این نیروها بصورت واقعی وجود نداشتند. دو شب قبل از سقوط افشار آقای رضوانی سنگلاخی معاون امنیت فرقه ۹۶، جان‌علی قوماندان غند توپچی و یک نفر دیگر به عنوان نوکری وال کنترلی فرقه ۹۶ از تمام جز و تام‌ها دیدن نمودند و متوجه شدند که در آن شب از ۱۶۰۰ نفر نیرو و پرسونل فرقه، فقط ۱۶۰ نفر حضور داشتند. فردای آن شب آقای رضوانی سنگلاخی دو گزارش کتبی از وضع فرقه ۹۶، یکی برای گروپ اوپراتیوی به فرماندهی جنرال خدایداد هزاره، و دیگری برای مدیریت امنیت حزب وحدت که مسؤل آن شخصی بنام آقای حیدری بود نوشته و تحویل داد. به این گزارش در آن شرایط حساس هیچ گونه توجهی نشد، تا این که افشار سقوط کرد.

جنرال خدایداد هزاره، مسؤل سقوط افشار بود که باید محاکمه می شد. او در روز حمله به افشار هیچ عمل و حرکتی برای مقابله با تجاوز انجام نداد و حتی از جان مزاری هم حفاظت نکرد. خدایداد هزاره، که قبلاً خصوصی گفته بود با یک کودتا رهبران حزب وحدت از جمله آقای مزاری را از بین میبرد، بعد از کشته شدن مزاری به دست طالبان، سنگ طرفداری او را بر سینه می زد و بنام دفاع از مزاری علیه ایران، دولت ... ربانی و گروه‌ها و شخصیت‌های شیعه شعار می داد و از طالبان حمایت می کرد.

همچنین، قبل از سقوط افشار جناح بندی و نفاق میان حزب وحدت(شاخه مزاری) شکل گرفته بود. یک جناح را آقای مزاری و جناح دیگر را آقای صادقی پروانی که هر دو از رهبران سازمان نصر هم بودند تشکیل می دادند. جناح مزاری در تفاهم با حزب اسلامی حکمتیار قرار داشت و جناح صادقی در تفاهم با جمعیت اسلامی و دولت استاد ربانی. در جنگ افشار نیروهای طرفدار صادقی دفاع نکردند و این کار یکی از عوامل سقوط افشار به شمار می‌رود.

بعد از سقوط افشار جنرال صداقت، کربلایی ثرمحمد و جنرال کورگه با جمعی دیگر از جمله دو سنگلاخی دستگیر شدند. قبل از این که تحقیقات صورت بگیرد و مجرمین و معامله‌گران اصلی شناسایی شوند، ناگهان تبلیغات زهرآگین گسترده و سازمان یافته علیه سادات و بخصوص سیدهای سنگلاخ به راه افتاد و آنها متهم به خیانت و معامله با دشمن معرفی شده و عامل شکست هزاره‌ها قلمداد شدند، و همزمان با این تبلیغات سوء چنان بگیر و ببند و اختناق بوجود آوردند که برخی افراد سید برای زنده ماندن و تحقیر نشدن از سیادت خود انکار می کردند.

در هزاره جات در مسیر راه بهسود به پنجاب، میلیشیاهای وابسته به فاشیست‌های هزاره نما، موترها را متوقف نموده و از راننده‌ها می‌پرسیدند که «سید مید» دارد یانه، که اگر داشتند آن‌ها را پیاده نموده مورد لت و کوب قرار می‌دادند و حتی با خود میبردند. این کار شبیه کار آن جنایتکارانی بود که در مناطق پشتون نشین موترها را متوقف نموده به راننده‌ها می‌گفتند «هزاره مزاره» دارید، که اگر داشتند آن‌ها را با تحقیر پیاده نموده، لت و کوب و غارت می‌کردند و در بسیاری موارد سر به نیست می‌نمودند. هزاران مرد و زن و کودک هزاره در دوران جهاد و جنگ‌های تنظیمی در همین مناطق غارت شده و جان‌های خود را از دست دادند. این جنایت حتی با حضور نیروهای ناتو در افغانستان در زمان ریاست ... حامدکرزی، نیز تکرار شد و از جمله آقای محمدی پسر ارشد آیت الله محقق در مسیر قندهار، گم شد و تا کنون از او خبری به دست نیامده است. به هر حال، بعد از سه ماه تحقیق مشخص شد که معامله گران اصلی، همان جنرال‌های کمونیست، از جمله صداقت و کورگه بودند که اعدام شدند. قابل ذکر است که در جریان تحقیق برای شناسایی معامله گران افشار، زندانیان سنگلاخی به شدت لت و کوب شده و با تحقیر و توهین در زندان «کوته گانی» شکنجه می‌شدند. شاید سید شیرآقا در اثر همین شکنجه‌ها جان داده بود که دیگر از مرده و زنده او خبری نشد.

در زندان «کوته گانی» حاجی ملک میرحسین، چنان مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار می‌گرفت که از شدت درد فریاد می‌زد یا زهرا! اما شکنجه گران به حضرت زهرا(س) اهانت می‌کردند و او را بیشتر شکنجه می‌دادند. سربازان مسلمان زندان، قضیه سنگر پغمان، پس از سقوط افشار و شکست حزب وحدت در کابل توسط مجاهدین سنگلاخ به فرماندهی سید محمدباقر واعظی و همکاری مرحوم کربلایی سیدعلی جان راسخ در تاریخ ۱۳۷۲/۱/۲۹ فتح شد. فتح این سنگر تمام دسیسه‌های فاشیست‌ها و ملحدین قوم گرا را علیه سادات سنگلاخ خنثی کرد.

موضوع را به شورای مرکزی حزب وحدت گزارش دادند، شورای مرکزی هم هیأتی را برای بررسی موظف ساخت. هیئت بررسی گزارش داد که به حضرت زهرا(س) اهانت شده، اما آقای مزاری رئیس شورا و دیگر اعضا توجهی نکردند.

شکنجه گران قصد داشتند ملک میرحسین را بکشند چون او به مزاری، مائو، لنین و چنگیز فحش می‌داد، اما شهید سید حسین علوی که فرمانده سنگر پغمان در سر سنگلاخ بود و مجاهدین سنگلاخ در آن سنگر نقش اساسی داشتند، به کابل آمده و آقای مزاری را وادار به آزاد کردن ملک میرحسین نمودند. علاوه بر آن آقای سیدحسین سنگلاخی که از روشنفکران سنگلاخ بود به دفاع از آبرو و

حیثیت مردم سنگلاخ بر آمده و در حضور ... مزاری و اعضای شورای عالی نظارت حزب وحدت اتهام های وارده بر مردم سنگلاخ را رد نموده و خواستار اعاده حیثیت سنگلاخی ها شد. در این رابطه شورای عالی نظارت حزب وحدت اطلاعیه ای در رد اتهام از مردم سنگلاخ صادر کرد و مجاهدین سنگلاخ نیز نامه سرگشاده و روشنگرانه منتشر کردند. این نامه سرگشاده را کربلایی سیدحضرت گل رضوانی و سیدحسین سنگلاخی عنوانی مردم شیعه ترتیب نموده و با تیراژ زیادی در غرب کابل پخش کردند و به اعضای شورای مرکزی حزب وحدت هم دادند. اتهام خیانت سادات در افشار را گروه اوپراتیفی و فاشیست های هزاره نما بخاطر برائت خود و بدنام ساختن سادات مطرح کردند تا بتوانند سندی برای خیانت آن ها به هزاره ساخته و مردم مسلمان هزاره را علیه سادات تحریک کنند و به این ترتیب در میان شیعیان نفاق ایجاد نمایند. سنگلاخی ها صرف یک پوسته در کوه رادار، واقع در چهارراهی قنبر داشتند، اگر این پوسته معامله شده باشد، سنگرها و پوسته های مهم دیگر مانند قلعه بلند راهدار، پوسته زیارت، فرقه ۹۶، اکادمی پلیس، کوه افشار، تصدی سکتور خصوصی، سیلوی مرکز، کوه بالای سیلو و ... را چه کسانی فروخته بودند؟

تهمت کوه فروشی و خیانت در حالی به سادات و بخصوص سادات سنگلاخ بسته می شود که در جنگ شورای نظار و اتحاد سیاف علیه شیعیان، سیدشاه حسین سنگلاخی، معاون غند تانک فرقه ۹۶ و سید منور شاه سنگلاخی، قوماندان تولی کشف این غند با ۴۴ تن سنگلاخی دیگر در سنگر مقاومت به شهادت رسیدند. همچنین ۸۴۲ منزل سنگلاخی ها غارت و تخریب، ۱۳ دکان و مغازه شان تاراج و ۶۴ تن در سنگر مقاومت اسیر شدند. سنگلاخی ها در دوران جهاد، برای دفاع از استقلال کشور و آزادی از قید دیکتاتوری کمونیستی بیش از چهار صد شهید گمنام و مظلوم تقدیم اسلام و افغانستان کردند.

در رابطه با عاملان و مجریان فاجعه افشار، از طرف مقابل و نیروهای متجاوز، «پروژه عدالت افغانستان» که یک سازمان غیر انتفاعی در کشور بلژیک بود، گزارشی در تاریخ ۱۱ فبروری ۲۰۱۲ میلادی منتشر کرد که در آن علاوه بر متهم کردن شخص استاد سیاف و احمدشاه مسعود، لیستی از فرماندهان جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی که در فاجعه شرکت مستقیم داشتند منتشر کرده است.

در لیست جمعیت اسلامی افرادی چون محمد قسیم فهیم که بعداً معاون رئیس جمهور شد، انور دنگر، ملا عزت، محمد اسحاق پنجشیری، حاجی بهلول پنجشیری، بابا جندر پنجشیری، باز محمد احمدی

بدخشانی، مشتاق لالی و ... ذکر شده اند و در لیست اتحاد ... سیاف، افرادی چون حاجی شیرعلم، زلمی توفان، داکتر عبدالله، ملا تاج محمد، امان‌الله کوچی، جکر نعیم و... حضور دارند. آمار کشته‌ها، زخمی‌ها و تجاوزات جنسی هنوز بطور دقیق به دست نیامده- در واقع کسی پیگیری نکرده است- و در این زمینه آمارهای درشت و غیر واقعی زیادی ادعا شده، اما به نظر میرسد که رقم بیش از پانصد کشته واقعی تر باشد. در گزارش پروژه عدالت برای افغانستان، از چند مورد قتل عام، مفقودی و تجاوز جنسی توسط نیروهای اتحاد اسلامی یاد شده که دلخراش است. از سوی دیگر، بر اساس روایت‌های مردمی در اثر این تجاوز، بیش از پنج هزار خانوار شیعه در افشار بی خانمان و آواره شدند.

استقلال - خپلواکی : القاب در نوشته متذکره حذف شدند.